

عقاید صحیح و موجّه من درباره همه چیز!

روشن‌وزیری

سخن چنان بگویم که بتوانم در هر یک از آنان یک اندیشه را پیدا کنم؛ اندیشه‌ای که از دید خود آنان مهمترین اندیشه بوده و از پایه‌های بنای فکری است که ساخته‌اند، ضمن اینکه امروزه نیز برای ما قابل درک‌اند و گوشه‌ای از ذهن‌مان را لمس می‌کنند...

او ۳۰ تن از فیلسوفان بزرگ را برگزیده و با بررسی مهمترین اندیشه‌هاشان هر یک از «درسه‌ها» را با پرسشی در ارتباط با اندیشه‌های آن فیلسوف به پایان می‌برد، اندیشه‌هایی که هنوز معتبرند و همچنان بی‌پاسخ مانده‌اند. فهرست فیلسوفان از سقراط آغاز می‌شود و گاه بدون رعایت گاهشمار، با کارل یاسپرس خاتمه می‌یابد.

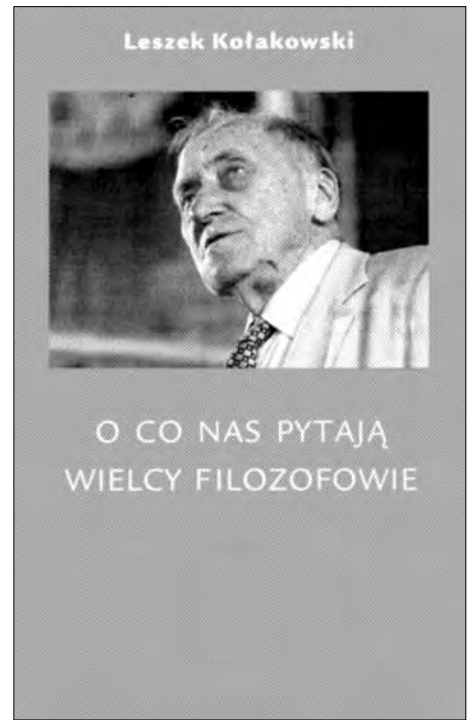
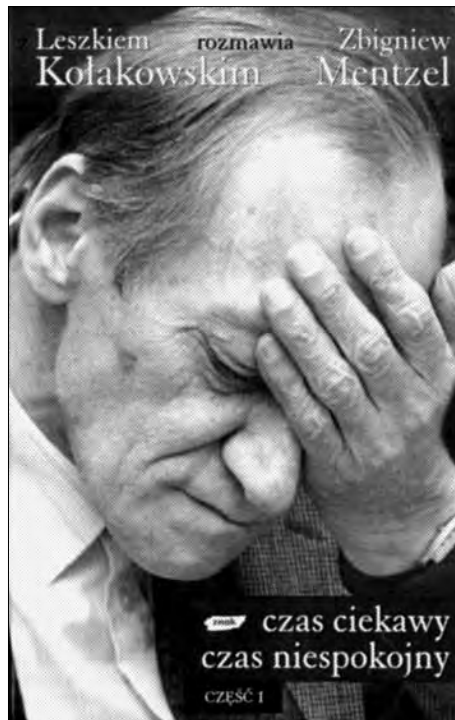
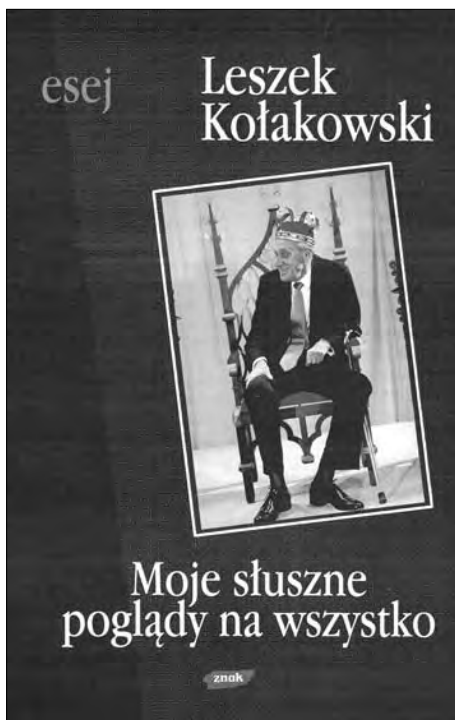
لشک کولاکوفسکی اکنون از مرز هشتادسالگی گذشته و به رغم آنکه سالها درباره زندگی خصوصی‌اش سکوت کرده بود، سرانجام تصمیم گرفته است شرح حال خودش و روزگارش را با زیگنیو منتزل (Zbigniew Mentzel) در میان بگذارد. منتزل (متولد ۱۹۵۱)، داستان‌نویس و روزنامه‌نگاری که آماده‌سازی چند اثر کولاکوفسکی را در کارنامه خود دارد، ۱۸ سال پیش در پاسخ به درخواستی برای انجام گفت و گو با کولاکوفسکی در زمینه جهان‌بینی و زندگی روزمره‌اش، چنین پاسخ می‌گیرد: «متأسفانه، متأسفانه، درست از همین پرسشهاست که وحشت دارم. پس با کمال تأسف پاسخ می‌دهم که نه، نمی‌توانم، دست کم در حال حاضر. اینها پرسشهایی است که قادر نیستم پاسخ آنها را به هیچ کس بدهم... شاید روزی، زمان این کار فرا برسد.»

چنین روزی سرانجام فرا می‌رسد. حاصل گفت و گوها کتابی کم‌نظیر است. زندگینامه‌ای خودگفته، در دو جلد، در برگیرنده دوران کودکی و سالهای اشغال لهستان در جریان جنگ جهانی، سالهای تحصیل و فعالیت در سازمان دانشگاهی مبارزان جوان و سپس عضویت در حزب کمونیست، بلوغ و رشد فکری و نیز شرایطی که منجر به اتهام تجدیدنظرطلبی و اخراج او ابتدا از حزب و بعد از دانشگاه و آکادمی علوم لهستان شد. جداول کتاب شامل شرح زندگی او تا ۱۹۶۸ است؛ سالی که ناچار به ترک وطن می‌شود. جلد دوم، گفت و گو درباره حوادث دوران مهاجرت و تدریس در دانشگاههای مک‌گیل، برکلی و آکسفورد است و خوانندگان از بسیاری جزئیات زندگی متفکر برجسته لهستانی و هم‌روزگارانش آگاه می‌شوند، هم‌زمان تصویر تمام نمای عصری را می‌بینند که در آن زیسته است. در این کتاب توصیفی از رویاها و سرخوردگی‌های کسانی را می‌خوانیم

لشک کولاکوفسکی متفکر نامدار معاصر لهستانی اکنون برای فارسی‌زبانان هم شخصیتی شناخته شده است. کتاب *درسه‌های کوچک در باب مقولاتی بزرگ* نوشته او به ترجمه همین قلم نخستین بار در سال ۱۳۷۷ منتشر شد. در پیشگفتار دفترهای این کتاب شرح نسبتاً مفصل و مبسوطی از زندگی کولاکوفسکی و ارتباط آن با رویدادهای روزگار او آورده‌ام. همچنین دو گفتار از او را زیر عنوانهای «حقوق بشر به چه دردمان می‌خورد؟» و «رهبر فزّه‌مند و معلم فزّه‌مند» ترجمه کرده‌ام که در شماره‌های ۶۱ و ۷۶ *مجله نگاه نو* درج شده است. نیز کتاب او با عنوان *جریانهای اصلی در مارکسیسم* را عباس میلانی ترجمه کرده که جلدهای اول و دوم آن در سال ۱۳۷۴ و جلد سوم آن به تازگی منتشر شده است. گذشته از اینها برخی نوشته‌ها و مصاحبه‌هایی با او نیز در روزنامه‌ها درج شده است. در چند سال اخیر تمام یا بیشتر آثار پیشین کولاکوفسکی در لهستان تجدید چاپ و راهی بازار شده است. یکی از آنها گزیده‌ای از مقاله‌ها و رساله‌های اوست که در میان سالهای ۹۰ - ۱۹۸۰ به رشته تحریر درآورده و اکثراً برای خوانندگان لهستانی ناآشنا بوده‌اند. عنوان کتاب و عکس روی جلد آن نشان از شوخ طبعی و طنز ظریفی دارد که شخص نویسنده و سبک ادبی او را بارز می‌کنند. این است عنوان کتاب: **عقاید صحیح و موجّه من درباره همه چیز.**

مطالب کتاب طیف وسیعی از موضوعها را در بر می‌گیرد؛ از تجزیه و تحلیل پیوند میان مذهب و تمدن اروپایی گرفته تا پی‌جویی سرچشمه‌های شرّ، تفکر یوتوپایی و نشان دادن ارتباط میان حقیقت، دموکراسی و آزادی، همچنین اندیشه‌هایی که سبب شکل‌گیری مدرنیته شدند و همه آنها با سبک و سیاقی که توانایی نویسنده را در تشریح و توضیح مسائل سخت و پیچیده به گونه‌ای ساده و روشن، در عین حال گاه آمیخته با طنز، مشخص می‌کند.

علاوه بر این، سه دفتر از درسه‌های کاملاً جدید کولاکوفسکی با عنوان *فیلسوفان بزرگ از ما چه می‌پرسند؟* در سال ۲۰۰۵ روی پیشخوان کتابفروشیهای لهستان قرار گرفت. مؤلف در مقدمه کوتاهی نیت خود را از ارائه این «درسه‌ها» چنین بیان می‌کند: «منظورم ارائه تاریخ فلسفه به شکل قرص نیست؛ این مجموعه همچنین کتاب درسی کوچک، دانشنامه یا واژه‌نامه هم نیست. کتابهای خوب درسی، دانشنامه‌ها و واژه‌نامه‌های معتبر فراوان‌اند. قصدم این نیست که افلاطون، دکارت یا هوسرل را "مختصر" کنم، که این بی‌شک بلندپروازی احمقانه‌ای می‌بود. می‌خواهم درباره فیلسوفان بزرگ



سالهای جوانی، سالهای آخر دههٔ چهل و آغاز دههٔ پنجاه، متأسفانه مطالب گوناگونی نوشته‌ام، نه تنها دور از عقل – که این چندان مهم نیست – بلکه عاری از انصاف و زبان‌بخش برای دیگران، کاری که هنوز آزارم می‌دهد. در مجموع کلمات و جملاتی بیش از حد لزوم نوشته یا گفته‌ام. امروز دیگر به ندرت قلم به دست می‌گیرم.

نمی‌دانم آیا در این وراچی‌های ما می‌تواند مطلب جالبی برای دیگران وجود داشته باشد یا نه، و من آخرین کسی هستم که بتواند در این باره داوری کند. اگر چیز جالبی در آنها نباشد، چاره‌ای نیست. و گناه آن به گردن ز. منتزل است.»

که در ساختن قرن بیستم مشارکت داشته‌اند. در میان سخنان کولاکوفسکی بسیاری اندیشه‌های هوشمندانه، مشاهدات دقیق و برجسته همراه با حفظ بی‌طرفی و هنر به خود خندیدن و شوخ طبعی می‌یابیم. در پشت جلد کتاب نوشته شده است:

«کتاب سوای ارزشهایی که به شناسایی واقعیتها و یافتن حقایق یاری می‌رساند دارای ارزش ادبی بی‌چون و چرایی است که به یمن سبک دانشورانهٔ گفت و گوکنندگان به دست آمده است. کتاب پرتراهی است از لشک کولاکوفسکی، سخنگوی اندیشه‌ور و شاهد عصر ما. خواندن آن برای همهٔ کسانی ضروری است که می‌خواهند عصر مدرن و جریانهای فکری آن را درک کنند، و نیز ایده‌ها و گزینشهایی که آگاهی امروزی ما را شکل داده‌اند.»

کولاکوفسکی در پایان این گفت و گوی زندگینامه‌ای متن کوتاهی تحت عنوان «پی‌گفتاری کوچک» نوشته است. این یادداشت حکایت از فروتنی و بصیرت عمیق روشنفکری دارد که طوفانهای قرن بیستم را دیده و پشت سر گذاشته است.

«چندین و چند بار و زمانی دراز با زیبگنیو منتزل صحبت کردیم و او صحبت‌های ما را ضبط و بعد ویرایش کرد. معلوم شد بسیاری از چیزهایی را که نوشته‌ام بهتر از من به یاد دارد. از من در این زمینه‌ها می‌پرسید و من تا جایی که می‌توانستم پاسخ می‌دادم، ضمن اینکه گاه از جواب طفره می‌رفتم یا با حرف زدن از دادن پاسخ می‌گریختم. در همان ابتدا شرط کردم که دربارهٔ برخی مطالب حرف نخواهم زد. خیلی دیر متوجه شدم که گاه چیزهایی دربارهٔ اشخاص گفته‌ام که نباید می‌گفتم.

به هر حال عمدتاً در زمینهٔ آنچه من نوشته‌ام حرف زدیم. در

عنوانهای برخی از کتابهای لشک کولاکوفسکی

از ۱۹۶۵ به این سو

۱. آگاهی دینی و پیوند کلیسایی
۲. اراسموس و خدای او، مقدمه‌ای بر یکی از آثار اراسموس
۳. گفت و گو با شیطان
۴. فلسفهٔ پوزیتیویستی (از هیوم تا حلقهٔ وین)
۵. حضور اسطوره
۶. جریان‌های اصلی مارکسیسم: برآمدن، گسترش و فروپاشی
۷. آیا شیطان می‌تواند رستگار شود
۸. هوسرل و جست و جوی یقین
۹. اگر خدا نباشد... دربارهٔ خدا، شیطان و سایر دردسرهای به اصطلاح فلسفهٔ دینی
۱۰. در ستایش تناقض
۱۱. وحشت متافیزیکی
۱۲. تمدن در پیشگاه دادگاه